

دیدگاه‌های نو در بزهدیده‌شناسی (تأثیر خشونت خانوادگی بر کودکان امریکایی)

روح‌الله رحمتیان ■ ■

استادیار گروه فرانسه دانشگاه تربیت مدرس □ □

چکیده

در تاریخ ۷۸/۹/۲۰ به دعوت گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس و با هماهنگی آقای دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده معاون پژوهشی وقت دانشکده علوم انسانی، سمیناری تحت عنوان «دیدگاه‌های نو در بزهدیده‌شناسی» در محل دانشکده علوم انسانی برگزار گردید.

سخنران سمینار لیندا سو رحمتیان (Linda Sue Rahmatian) «مدیر برنامه‌های یاری‌رسانی به قربانیان خشونت در خانواده‌ها» در ایالت فلوریدای امریکا بود که به کمک همسر خود آقای دکتر علی اکبر رحمتیان، متخصص در جرم‌شناسی و روانشناسی کیفری، سخنرانی‌اش را به زبان انگلیسی ارائه کرد. آقای دکتر روح‌الله رحمتیان عضو هیأت علمی گروه فرانسه نیز ترجمه سخنرانی را به طور همزمان از زبان انگلیسی به فارسی برای حاضران بر عهده داشتند. مطالب آتی خلاصه‌ای از این سخنرانی است.

سخنران ضمن معرفی زمینه کاری و تخصص خود سخنانش، را با توضیح پدیده خشونت در خانواده (domestic violence) با تأکید بر تأثیر خشونت بر بچه‌های شاهد خشونت در خانواده آغاز کرد. خانم رحمتیان پروژه‌ای در این باره در امریکا ارائه کرده که به تأیید کانون وکلای امریکا رسیده و از آن به عنوان برنامه تعلیمی برای معلمان، مربیان مدارس، مددکاران اجتماعی و نیروهای اجرایی پلیس استفاده می‌شود.

خانم لینداسو دورنمای تاریخی موضوعی خشونت در خانواده و اقدامات حقوقی درباره آن را چنین ارائه کرد:

- نخستین بار در سال ۱۴۰۱ اولین موضوع مستند درخصوص خشونت در خانواده‌ها توسط یک



- در سال ۱۷۹۹ یک قاضی انگلیسی به نام ویلیام بلکستون (William Blacstone) از قوانین انگلستان در خصوص خشونت تفسیری ارائه داد و در آن به اقدامات تأمینی در قبال خشونت فیزیکی توجه کرد.

- در سال ۱۸۲۴ دادگاههای آمریکا اعلام داشتند که هیچ مردی حق تنبیه همسر خود را ندارد، حتی با وسیله‌ای که به اندازه قطر انگشت شست باشد.

- در سال ۱۸۵۳ انگلستان اولین قانون را علیه اعمال خشونت در مورد زنان و کودکان تصویب کرد و به اجرا گذاشت.

- در سال ۱۹۸۳ قانون ترمان (Therman) در ایالت کِنِدی کِد در آمریکا در خصوص خشونت در خانواده تصویب گردید. خلاصه حادثه‌ای که منجر به تصویب قانون مذکور شد به شرح زیر است:

خانمی به نام تراسی ترمان (Tracy Therman) بارها توسط شوهرش مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت و دائم از پلیس و دادگاه آن ایالت تقاضای کمک می‌کرد که امنیت او را تأمین کنند تا اینکه بعد از حمله وحشیانه‌ای که شوهرش در نزد پلیس علیه او مرتکب شد قربانی خشونت، یعنی خانم ترمان از پلیس شهر شکایت کرد و نیروهای انتظامی پلیس را متهم ساخت که به سبب سهل‌انگاری از وی به عنوان شهروند دفاع نکرده‌اند. از این پس قانونی به نام قانون ترمان تصویب شد که به واسطه آن تمامی واحدهای پلیس در تمام کشور آمریکا موظف به تربیت مربیان و افسران در خصوص برنامه‌های جلوگیری از خشونت در خانواده‌ها شدند و بلافاصله بعد از آن تبصره‌هایی به این قانون اضافه شد که به نام قانون ۷۴۱۲۸ معروف گردید.

از دهه ۱۹۸۰، واحدهای پلیس در آمریکا شروع به اجرای برنامه‌های یاری‌دهی به قربانیان خشونت در خانواده کردند که این برنامه فقط توسط مردمی که در همان جامعه زندگی می‌کنند اجرا می‌شود. خانم رحمتیان اظهار کرد خردسالانی که امروز شاهد خشونت در خانواده‌های آمریکایی هستند، فردا برای جامعه آمریکا مشکل‌ساز خواهند شد. اغلب اوقات این بچه‌ها در مدرسه خوب درک نمی‌شوند و پر دردرس و تنبل محسوب می‌گردند.

تحقیقاتی که در خصوص کودکان شاهد خشونت به عمل آمده نشان می‌دهد که در آمریکا به طور متوسط بچه‌ها تا قبل از ۶ سالگی شاهد ۸۰۰۰ قتل و ۱۰۰/۰۰۰ عمل خشونت‌آمیز دیگر در تلویزیون هستند. همچنین برآورده شده است که هر سال بیش از ۳ میلیون خردسال در معرض مشاهده خشونت در خانواده‌اند و بیش از ۴۰ درصد کودکان عملاً خشونت را در خانواده‌ها مشاهده می‌کنند. خانم لیندا سو همچنین با پیچیده خواندن نتایج این پدیده، آمار دقیقی از آثار منفی شاهد خشونت بودن در خانواده‌ها به شرح زیر ارائه داد:

- به بچه‌ها و محصلین آمریکایی تا ۶ بار میل به خودکشی دست می‌دهد.

- در آمریکا ۲۴ بار احتمال دارد که بچه‌ها مورد سوء استفاده جنسی قرار گیرند.

- جوانان آمریکایی پس از سن بلوغ ۶۰ بار احتمال دارد که مرتکب رفتارهای مشمول عنوان بزه

شوند.

- یک جوان امریکایی با یک سیستم اعتقادی که دائم همراه با خشونت در خانواده‌اش است، رشد پیدا می‌کند و ۸۷ درصد احتمال دارد که در سنین جوانی پایش به محاکم جنایی کشیده شود. سخنران در ارائه مطالب خود به شرح زیر یک مورد عینی را به عنوان نمونه بیان کرد: من در حال حاضر بر روی دانش آموز ۱۵ ساله‌ای به نام کوین کار می‌کنم که چندین بار به واسطه اعمال خشونت بار دستگیر شده است. وقتی از این نوجوان خواستم رفتار ذهنی خود را روی کاغذ بیاورد، دیدم تصویری از مادرش را نقاشی کرد و او را زشت ارائه داد. نکته جالب توجه این بود که این نوجوان در داخل نقاشی خود چاقویی کشیده و آن را زیر گلوی مادرش قرار داده بود، یعنی دقیقاً همان طور که در خانواده از پدر و مادرش یاد گرفته بود. این نوجوان پدری الکی دارد که دائماً مادر کوین را شکنجه روحی و جسمی می‌دهد و مادرش نیز در حال حاضر با مرد دیگری زندگی می‌کند. این نوجوان هیچ تکیه‌گاه و مداخله کننده بیرونی برای نجات خود نداشته است و دائماً دست به خشونت‌های وحشتناک می‌زند.

در امریکا این نوجوانان روز به روز گرایش بیشتری به سمت باند‌های محلی خطرناک نشان می‌دهند و باز هم قربانی سوء استفاده دیگران می‌شوند.

خانم لیندا سو همچنین با ارائه نتایج تحقیقات روانشناسی بر روی رفتار خردسالانی که در امریکا به صورت مستقیم در خانواده شاهد خشونت هستند، مطالبی ارائه داد و آثار منفی خشونت را در کودکان بدین ترتیب ذکر کرد:

- اختلال در خوردن،

- اختلال در روحیه مانند افسردگی و احتیاجات عاطفی،

- انتخاب خشونت به عنوان تنها راه حل،

- گوشه‌گیری و انزواطلبی

- دست زدن به اعمال تخریبی،

- غیرواقعی و تخیلی فکر کردن،

- عدم تعادل جسمی و کلامی خصوصاً در برخورد دیگران،

- مشکل آفرینی در مدرسه،

- تمایل به خودکشی.

خانم لیندا سو به نظریه جرم‌شناس معروف «ساترلند» و نیز تئوری «معاشرتهای ترجیحی» او اشاره کرد که در اثر معروف ساترلند به نام «اصول جرم‌شناسی» مطرح شده است. بارزترین یافته‌های ساترلند توسط ایشان بدین گونه ارائه شدند:

- رفتار جنایی اکتسابی است: تا فردی جنایتی را نیاموزد آن را اختراع نمی‌کند.



- رفتار جنایی در اثر تماس با اشخاص دیگر، بر اثر جریان ارتباطی کسب می‌شود.
- رفتار جنایی، خصوصاً در داخل یک گروه محدود (خانواده، باند، کوچه) که بین آنها روابط شخصی برقرار است آموخته می‌شود.
- پیدایش و شکل‌گیری رفتار جنایی از راه اکتسابی مشتمل است بر: الف) آموزش فنون ارتکاب بزه، ب) جهت‌یابی انگیزه‌ها، تمایلات محرک، استدلالها و اوضاع و رفتار.
- فرد هنگامی بزه‌کار می‌شود که تفسیرهای نامساعد درباره اعتبار و احترام قانون بر تفسیرهای مساعد فایق آید. ترجیح از همین جا پیدا می‌شود و اصل معاشرت ترجیحی بر همین نکته استوار است. بعد از پایان سخنرانی، پرسشهایی توسط حاضران مطرح و بدانها پاسخ گفته شده. سپس دکتر نجفی ابرنآبادی و دکتر حبیب‌زاده مسائل را در قالب نتیجه‌گیری برای دانشجویان مقطع دکتری و فوق‌لیسانس بیان کردند و آقای دکتر نجفی با ذکر مواردی تطبیقی نقطه نظرهای خود را برای دانشجویان اظهار داشتند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی